

# رابطه اجتماعی Social Relation

کلمات کلیدی : رابطه اجتماعی، رابطه تاسیسی، رابطه تانیسی، رابطه باز، رابطه بسته

نویسنده : فاطمه عمو عبداللهی

در تعریف لغوی رابطه آمده است؛ هر نوع وابستگی و ارتباط که میان دو یا چند چیز وجود دارد. همچنین تأثیر و نفوذی که یک چیز در دیگری داشته باشد را رابطه می‌گویند. [1] در حوزه جامعه‌شناسی، اصطلاح رابطه اجتماعی برای ترسیم شرایطی به کار می‌رود که دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت دارند که در چارچوب آن، هر یک از آنان رفتار دیگری را به طرز معناداری به حساب می‌آورد. در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شوند. [2]

مفهوم رابطه اجتماعی در جامعه‌شناسی ماکس وبر (Max Weber: 1864-1920) از مفاهیم اساسی است. [3] او در کتاب "مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی" مفهوم رابطه اجتماعی را شرح داده است. از نظر وبر مهم‌ترین شکل رفتار اجتماعی همان رفتار دوجانبه اجتماعی است که رابطه اجتماعی نامیده می‌شود و به عقیده وی بررسی آن مضمون اصلی جامعه‌شناسی است. [4] لازم به ذکر است که واژه "Social Communication" به معنی "ارتباط اجتماعی"، که در برخی کتب به رابطه اجتماعی ترجمه شده است، اصطلاحی است کلی که از آن برای بیان تمامی اشکال روابط اجتماعی با مشارکت آگاهانه افراد یا گروه‌ها استفاده می‌شود و وسایل ارتباط اجتماعی، علامات، حرکات، نمادها، سخن و غیره و صور مربوط به زبان و هر بیان معنی‌دار را دربر می‌گیرد. [5]

## خصوصیات رابطه اجتماعی

1) رفتار اجتماعی بن‌مایه اصلی همه‌گونه روابط اجتماعی است و بدون حداقلی از ارتباط دوجانبه، رابطه اجتماعی وجود نخواهد داشت. بنا بر این روابط اجتماعی کاملاً و منحصرأ وابسته به احتمال وجود کنش اجتماعی است که تا حدی از نظر معنایی قابل درک باشند. [6] محتوای چنین ارتباطی می‌تواند بسیار متنوع باشد و مثلاً کشمکش یا دوستی، وفاداری، جاذبه جنسی، مبادله اقتصادی و خصومت را شامل شود. علاوه بر این، محتوای مزبور می‌تواند به صورت؛ انجام، انکار، طفره رفتن

یا هرنوع رقابت یا عضویت در یک گروه یا طبقه را نیز دربر گیرد. [7]

(2) در رابطه اجتماعی نیازی به حالت دوجانبه (Reciprocity) وجود ندارد و کلیه طرفه‌هایی که در یک رابطه اجتماعی مفروض، جهت‌گیری و کنش متقابل دارند لزوماً معنای ذهنی مشترکی نسبت به رابطه مزبور برزو نمی‌دهند. به عبارتی رابطه اجتماعی نامتقارن است؛ بدین معنی که این احتمال وجود دارد که دوستی و عشق یا اعتماد یک طرف با رفتار کاملاً متفاوت طرف دیگر روبرو شود.

(3) رابطه اجتماعی می‌تواند ماهیتی ناپایدار، گذرا یا دارای درجات متغیری از ثبات داشته باشد. یعنی از چنان نوعی باشد که در آن احتمال وقوع مکرر رفتاری که با معنای ذهنی آن مطابقت دارد، وجود داشته باشد. باید این نکته را به خاطر داشت که تنها وجود این "احتمال" که نوع معینی از رفتار، متناسب با مجموعه مفروضی از معنای ذهنی رخ می‌دهد، موجودیت رابطه اجتماعی را تحقق می‌بخشد. بدین معنی که در نظر ما به‌عنوان مشاهده‌گر، این احتمال وجود داشته باشد که انواع معینی از رفتارهای شناخته شده افراد، به‌طور متوسط فقط نوع معینی از رفتار را باعث خواهند شد. مثلاً انتظار ما از احوال‌پرسی کردن دو نفر که باهم روابط رسمی و یا دوستانه دارند.

(4) معنای ذهنی رابطه اجتماعی می‌تواند تغییر کند؛ مثلاً رابطه سیاسی مبتنی‌بر همبستگی می‌تواند به رابطه سیاسی مبتنی‌بر تعارض تبدیل شود.

(5) محتوای معناداری که به‌طور نسبی در رابطه اجتماعی ثابت می‌ماند، قابلیت آن را دارد به صورت اصول متعارفی بیان شود که هر طرف بتواند وفاداری به آن‌ها را حداقل به‌طور تقریبی از طرف متقابل متوقع باشد. هرچه رفتار در رابطه با ارزش‌ها و اهداف مفروض، عقلانی‌تر باشد، حالت فوق امکان‌پذیرتر است. در خصوص روابط عاطفی، امکان فرمول‌بندی عقلانی معنای ذهنی به مراتب از مواردی همچون قراردادهای تجاری، کمتر است.

(6) معنای رابطه می‌تواند از طریق رضایت متقابل مورد توافق قرار گیرد. این بدان معناست که طرفه‌های دخیل در مورد رفتار آتی خود، وعده‌هایی به یکدیگر می‌دهند. پس هریک از طرفین انتظار دارند که به روال معمول و تا جایی که خود به‌طور عقلانی رفتار می‌کند، طرف مقابل نیز خود را مطابق با معنای توافق و به گونه‌ای که وی (طرف

اول) آن را می‌فهمد، جهت‌گیری کند. [8]

## انواع روابط اجتماعی [9]

برخی از انواع رابطه اجتماعی که وبر آنها را مشخص کرده و می‌توان به گونه‌ای نظام یافته‌تر نیز این روابط را بیان داشت از این قرارند؛

- از لحاظ احساس درونی افراد؛ 1- رابطه تأسیسی 2- رابطه تأسیسی
- از لحاظ امکان مشارکت شخص ثالث؛ 1- رابطه باز 2- رابطه بسته
- از لحاظ پیشبرد یا به دست آوردن خواسته‌ها؛ مبارزه، رقابت، گزینش

حال به تعریف این روابط می‌پردازیم.

### 1. رابطه تأسیسی/ جماعتی‌شدن/ گمنشافت (Associative [10])

Relationship)؛ نوعی از رابطه اجتماعی که حاصل کنش اجتماعی متکی بر احساس درونی افرادی می‌باشد که دارای احساس تعلق به یکدیگرند. یک رابطه درونی می‌تواند متکی بر عاطفه یا سنت باشد. برای مثال می‌توان از اخوت مذهبی، رابطه غریزی جنسی، الفت ملی یا روحیه یگانگی در یک واحد نظامی نام برد. بهترین نمونه این مورد را می‌توان به‌راحتی در خانواده‌ها مشاهده کرد. اما اکثر روابط اجتماعی این خصوصیات را دارند، هر رابطه اجتماعی که از اهداف آبی مشترک فراتر رود و برای مدت طولانی دوام یابد، شامل روابط اجتماعی نسبتاً دائمی بین افراد می‌شود. چنین روابطی نمی‌تواند منحصرأ محدود به فعالیت‌هایی که ضرورت تکنیکی دارند بشوند.

### 2. رابطه تأسیسی/ جامعه‌شدن (گزلشافت)/ رابطه پیوسته؛ (که

واژه‌های دیگری که به همین معناست و در بالا ذکر شد)؛ این رابطه از طریق موافقت متقابل، مبتنی‌بر توافق عقلانی می‌باشد. که در این حالت دارای دو جهت‌گیری زیر می‌باشد:

- باور عقلایی به تعهد شخصی

- انتظار عقلایی از وفاداری شخص مقابل

از خالصترین نمونه‌های رابطه تأسیسی، تبادل عقلایی در بازار آزاد است. یا تجمع آزادانه‌ای که متکی بر منافع فردی است. یا کنش‌های مستمری که قصدشان پیگیری منافع مبتنی‌بر معتقدات باشد، مثل فرقه‌هایی که در خدمت یک آرمان هستند (البته فقط در موارد خاصی نمونه خالص این مورد به وقوع می‌پیوندد، همان‌طور که در رابطه تانسی توضیح داده شد بسیاری از روابط دارای خصوصیات تانسی هستند حتی اگر بر منافع فردی یا عقلانی شکل گرفته باشند)

**3. رابطه باز و بسته؛** یک رابطه اجتماعی زمانی "باز" خوانده می‌شود که صرف‌نظر از تأسیسی یا تانسی بودنش، هیچکس از مشارکت در کنش اجتماعی متقابل مربوط به معنای ذهنی آن، آن‌گونه که نظام موجود حکم می‌کند و تا جایی که فرد مورد نظر علاقه و توان مشارکت دارد، محروم نگردد.

از سویی دیگر یک رابطه زمانی بسته تلقی می‌شود که مشارکت افراد در آن محدود و مشروط بوده و برای افراد خاصی ممکن باشد. طرف رابطه اجتماعی بسته "عضو-رفیق" نام دارد.

باز یا بسته بودن یک رابطه می‌تواند منوط به مولفه‌های زیر باشد؛

- سنت؛ مانند روابط خانوادگی که عضویت در این روابط طبق سنت تمایل به بسته بودن دارند.

- عاطفه؛ مانند روابط جنسی یا روابط معمول وفاداری شخصی.

- عقلانیت ارزشی؛ معمولاً در فرقه‌های مسلکی بسته بودن بر اساس عقلانیت ارزشی دیده می‌شود.

- علل عقلایی؛ به‌خصوص محتمل است که یک رابطه به علل عقلایی بسته باشد؛ مانند شرکت‌های اقتصادی انحصاری.

به هر حال آنچه مسلم است این است که اگر اعضای یک رابطه بخواهند موقعیت‌شان با پذیرش دیگران بهبود یابد، نفعشان در باز نگه داشتن رابطه است. اما اگر انتظار برود که موقعیت‌شان با روش‌های انحصاری بهبود یابد، بسته بودن رابطه برای آن‌ها مناسب‌تر است.

**4. مبارزه؛** زمانی یک رابطه اجتماعی منازعه (مبارزه) خوانده می‌شود که کنش درون آن عملاً در جهت پیشبرد خواست یک فرد علیه مقاومت دیگری یا دیگران باشد، که اگر در آن از خشونت فیزیکی واقعی استفاده نشود، مبارزه صلح‌آمیز نامیده می‌شود.

یک مبارزه صلح‌آمیز تا جایی که شامل تلاش برای کنترل و به‌دست آوردن فرصت‌ها و امتیازات مورد تمایل دیگران بشود، رقابت نامیده می‌شود. که حالات گوناگونی دارد، رقابت بر سر معشوق یا برای امتیازات اقتصادی یا بر سر جوایز هنری و همچنین مبارزات انتخاباتی و ... .

5. **گزینش اجتماعی؛** به این معناست که رفتارهای مشخصی، همراه با ویژگی‌های شخصی سازگار با آنها، برای کسب امتیازات نسبی در ایجاد روابط اجتماعی و نقش‌هایی چون، مدیر کل، عضو مجلس، پیمان‌کار، تاجر موفق یا عاشق و ... مورد پسندترند. مثلا کسی که زیرکی بسیار یا قدرت فیزیکی یا مهارت عوام فریبی و ... دارد برای احراز نقش عضو پارلمان شدن دارای امکان بیشتری برای موفقیت است.

6. **گروه‌های منفی یا تشکل؛** آن رابطه اجتماعی که یا بسته باشد یا منوط به ضوابط خاصی باشد، تشکل نام دارد. وجود تشکلات مربوط به وجود شخص دارای اقتدار است، خواه با کادر اداری یا بدون آن. و کنش اعضا به اعمال نظام حاکم بر تشکل منتهی گردد. بنابراین رابطه تاسیسی یا تانیسی بسته‌ای که فاقد مجموعه رسمی اقتدار باشد را نمی‌توان یک تشکل دانست. این اقتدار می‌تواند بر اساس ضوابط اجباری یک انجمن یا با توجه به موازین و روش‌های مشخصی، برای همیشه یا دوره خاص، تعیین شده باشد، و به خاطر همین اقتدار کنش اعضا معطوف به انجام ضوابط نظام می‌باشد که کنش تشکیلاتی نام دارد. البته این انجام وظیفه می‌تواند مبتنی بر سنت یا عاطفه یا ارزش‌های عقلایی باشد که به هر حال تشکل جدای از احتمال چنین کنشی وجود نخواهد داشت و فقط یک رابطه اجتماعی ایجاد می‌شود نه یک تشکل.

به هر حال "ما"ی اجتماعی ما در اثر رابطه اجتماعی به‌وجود می‌آید و بدون آن انسان‌ها قادر به برپایی جوامع و ادامه زندگی‌شان به‌صورت اجتماعی که نیاز آنهاست نمی‌باشند.

## منابع:

[1]. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر،

1375، ص345.

[2]. وبر، ماکس؛ اقتصاد و جامعه، عباس منوچهری و دیگران، تهران، مولى، 1374، ص31.

[3]. فروید، ژولین؛ جامعه‌شناسی ماکس وبر، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، رایزن، 1368، ص132.

[4]. وبر، ماکس؛ مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، احمد صدارتی، تهران، مرکز، 1371، ص19.

[5]. بیرو، آلن؛ فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان، 1370، ص344.

[6]. شایان‌مهر، علیرضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب اول، تهران، کیهان، 1377، ص28.

[7]. وبر، ماکس؛ اقتصاد و جامعه، پیشین، ص31.

[8]. وبر، ماکس؛ مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ص79-81.

[9]. وبر، ماکس؛ جامعه و اقتصاد، پیشین، ص44-53 و ص61-58.

[10]. وبر، ماکس؛ مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، پیشین، ص19.